



قبیله‌های اخلاقی

جاشوا گرین

www.ketab.ir

www.ketab.ir

فیبا

قبیله‌های اخلاقی: احساس، عقل و فاصله بین ما و آن‌ها

گرین، جاشوا دیوید، ۱۹۷۴-م. Greene, Joshua David, 1974-

ترجمه: گیتی قاسم‌زاده؛ ۱۳۴۱ / هورمزد، ۱۴۰۰ / شابک: ۷۶-۰-۷۲۵۱-۶۲۲-۹۷۸

موضوع: اخلاق Ethics - هیجان‌ها Emotions - تمدن Civilization

رده‌بندی دیویی: ۱۷۰ / رده‌بندی کنگره: BJ۱۰۳۱ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۲۰۳۷



قبیله‌های اخلاقی: احساس، عقل و فاصله بین ما و آن‌ها
نویسنده: جاشوا گرین / ناشر: هورمزد / نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ / تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
مترجم: گیتی قاسم‌زاده / سرمترجم: نسرین کماسی / ویراستار: زینب صادقی نژاد
طراحی جلد: آتلیه طراحی نشر هورمزد / طراحی داخلی: خاطره باقری‌راد
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۱-۷۶-۰

فهرست

مقدمه: تراژدی اخلاق عرفی..... ۱۳

بخش اول: مسائل اخلاقی

فصل اول: تراژدی اشتراکات..... ۳۹

فصل دوم: ماشین اخلاق..... ۵۲

فصل سوم: منازعات بر سر موانع جدید..... ۱۱۶

بخش دوم: اخلاق آنی و با تآنی

فصل چهارم: ترامواشناسی..... ۱۷۳

فصل پنجم: کارایی، انعطاف پذیری و معنای بافرآیند دوگانه..... ۲۱۸

بخش سوم: یکای مشترک

فصل ششم: ایده‌ای عالی..... ۲۳۹

فصل هفتم: در جست‌وجوی یکای مشترک..... ۲۸۱

فصل هشتم: یکای مشترک پیدا شد..... ۲۹۳

بخش چهارم: اعتقادات اخلاقی

فصل نهم: اعمال هشدارآمیز..... ۳۲۵

فصل دهم: عدالت و انصاف..... ۳۹۷

بخش پنجم: راه‌حل‌های اخلاقی

فصل یازدهم: عمل‌گرایی دو آتشه..... ۴۵۱

فصل دوازدهم: فراتر از اخلاقی که در کادر قرار می‌دهد و دکه را

می‌فشرد..... ۵۴۶

شش قانون برای گله‌داران دوران مدرن..... ۵۴۶

[مقدمه]

نوازدی اخلاق عرفی

در بخش شرقی جنگلی انبوه و تاریک، قبیله‌ای دامدار گوسفندان خود را در مرتع پرورش می‌دهد. قانونی که در اینجا حکم فرماست، بسیار ساده است. تعدادی مساوی از گوسفندان به همه خانواده‌ها داده شود. خانواده‌ها نمایندگان خود را به شورایی می‌فرستند که نامش شورای ریش سفیدان است. این شورا وظیفه اداره کردن منابع مشترک قبیله را بر عهده دارد. شورای ریش سفیدان در گذر زمان تصمیمات دشواری گرفته است. برای نمونه، خانواده‌ای گوسفندی را پرورش می‌دادند که بسیار فربه بود. به همین دلیل، سهم بیشتری از منابع اشتراکی به این گوسفند اختصاص می‌یافت. بعد از بحث و جدل‌های فراوان، شورا به این مسئله خاتمه داد. مشت خانواده‌ای دیگر هنگامی باز شد که در حال مشغول کردن گوسفند همسایه گیر افتادند و به همین دلیل، به سختی مجازات شدند. اعتقاد بعضی این بود که مجازات آن‌ها بیش از اندازه سنگین بوده، در حالی که به باور گروه دیگر، مجازاتشان به حد کفایت سنگین نبوده است. با وجود همه این چالش‌ها، قبیله شرقی به حیات خود ادامه می‌دهد و زندگی برای آن‌ها رونق دارد، گرچه این رونق برای بعضی‌ها بیشتر از دیگران است. در غرب این جنگل، قبیله دیگری زندگی می‌کند که گله‌دارانش مرتعی مشترک دارند. در اینجا اما بزرگی گله به بزرگی خانواده و تعداد افراد آن بستگی دارد. اینجا هم شورایی از ریش سفیدان وجود دارد که تاکنون تصمیمات دشواری گرفته است. در این قبیله خانواده‌ای است که با

داشتن دوازده فرزند، صاحب بیشترین اولاد است، خیلی بیشتر از دیگر خانواده‌ها. بعضی شکایت کرده‌اند که این خانواده به دلیل فرزندان زیادی که دارد، خیلی بیشتر از حق خود از منابع مشترک استفاده می‌کند. خانواده دیگری سال گذشته دچار بیماری شد و پنج فرزند از شش فرزند خود را از دست داد. به نظر بعضی، این خیلی غیرمنصفانه است که شورا بخواهد با کاهش دارایی آن‌ها به نصف، دردشان را بیشتر کند. با وجود این چالش‌ها، قبیله غربی به حیات خود ادامه می‌دهد و زندگی برای آن‌ها رونق دارد، گرچه که این رونق برای بعضی‌ها بیشتر از دیگران است.

در شمال این جنگل هم قبیله دیگری زندگی می‌کند. اینجا هیچ‌گونه مرتع اشتراکی وجود ندارد. هر خانواده دارای قطعه زمینی است که حصارکشی شده است. قطعات زمین، هم از نظر حاصلخیزی و هم از نظر اندازه با هم فرق می‌کنند. یکی از دلایل آن این است که بعضی گله‌داران شمالی باهوش‌تر و کوشاتر از بقیه هستند. آن‌ها توانسته‌اند زمین‌های خود را گسترش دهند و با اضافه درآمد خود، زمین برخی افراد کمترمرفه را بخرند. بعضی از گله‌داران شمالی کمتر از بقیه در رفاه هستند، صرفاً به خاطر اینکه بدیاری آورده و با وجود تلاش زیادی که کرده‌اند، گله یا فرزندان خود را به علت بیماری از دست داده‌اند. با وجود این، گله‌دارانی هم هستند که به صورت استثنایی شانس آورده‌اند. آن‌ها زمین‌های وسیع و حاصلخیزی دارند، اما نه به این خاطر که باهوش‌تر یا کوشاترند، بلکه به خاطر اینکه دارایی هنگفتی را به ارث برده‌اند. در اینجا، در بخش شمالی، ریش‌سفیدان کار زیادی برای انجام دادن ندارند. کار آن‌ها صرفاً این است که اطمینان حاصل کنند که گله‌داران به وعده‌های خود عمل می‌کنند و به مالکیت یکدیگر احترام می‌گذارند. در اینجا بیشتر بگومگوها بر سر

مکنّت خانواده‌هاست. هر سال تعدادی از ساکنان منطقه شمالی به علت سرما و نداشتن غذا می‌میرند. با وجود این چالش‌ها، قبیله شمالی به حیات خود ادامه می‌دهد و زندگی برای آن‌ها رونق دارد، گرچه این رونق برای بعضی خیلی بیشتر از دیگران است.

در جنوب این جنگل، قبیله چهارمی زندگی می‌کند. برای آن‌ها نه تنها مرتع، که گله‌شان نیز اشتراکی است. شورای ریش سفیدان آن‌ها خیلی گرفتار است. شورا امور مربوط به گوسفندان را مدیریت می‌کند، کار افراد قبیله را تعیین می‌کند و بر آنان نظارت دارد. در این قبیله، منافع کار به طور مساوی بین افراد قبیله تقسیم می‌شود که این خود باعث بگومگوهای زیادی شده است. چون بعضی افراد قبیله باهوش‌تر و یا کوشاتر از دیگران هستند. شورا شکایات زیادی را در خصوص کارگران تنبل دریافت می‌کند. بیشتر افراد قبیله کوشا و پرتلاش هستند. انگیزه بعضی از آن‌ها روحیه تعاون است و انگیزه بعضی دیگر اجتناب از سرزنش همسایه. با وجود همه این چالش‌ها، قبیله جنوبی به حیات خود ادامه می‌دهد. به طور میانگین، خانواده‌های این قبیله مثل قبیله شمالی در رفاه نیستند، اما به حد کافی مکنّت دارند. در جنوب هیچ وقت کسی به دلیل سرما و یا نداشتن غذا جان خود را از دست نمی‌دهد.

در یک تابستان، آتش سوزی مهیبی در جنگل روی داد و آن را به خاکستر تبدیل کرد. پس از آن، باران شدیدی آمد و خیلی زود سرزمینی که زمانی پر از درختان گوناگون بود، به علفزاری پرنشیب و فراز تبدیل شد، بهشتی ایدئال برای چرای حیوانات. قبایل اطراف، هریک مدعی مالکیت این زمین شدند که خود تبدیل به دلیلی برای دعوا و منازعات بیشتر بین آن‌ها شد. قبیله جنوبی ادعا کرد که این مرتع جدید به همه تعلق دارد